



«حلقات»

درس 5

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

پنج دسته از ده دسته اخبار قطعی ای که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن ها تمسک شده است را مورد بررسی قرار دادیم. شهید صدر در مورد دلالت تمامی آن ها مناقشه کرده و دلالت آن ها بر اثبات حجیت خبر ظنی را نپذیرفتند.

اکنون دسته ششم و هفتم از این اخبار و سپس اشکالات و مناقشات دلالت این روایات بر حجیت خبر واحد را بررسی می کنیم.

متن درس

الطائفة السادسة: ما ورد في الرجاء إلى آحاد من اصحاب الائمة بدون اعطاء ضابطة كلية للارجاع. من قبيل ارجاع الامام إلى زرارة بقوله: " اذا اردت حديثا فعليك بهذا الجالس "، او قول الامام الهادي (ع) " فأسال عنه عبدالعظيم بن عبدالله الحسني واقرأه مني السلام ".

وروايات الارجاع التي هي من هذا القبيل لما كانت غير متضمنة للضابطة الكلية فلا يمكن اثبات حجية خبر الثقة بها مطلقا حتى في حالة احتمال تعمد الكذب إذ من الممكن ان يكون ارجاع الامام بنفسه معبرا عن ثقته ويقينه بعدم تعمد الكذب ما دام ارجاعا شخصا غير معلل.

الطائفة السابعة: ما دل على ذم من يطرح ما يسمعه من حديث بمجرد عدم قبول طبعه له من قبيل قوله (ع): " وأسوأهم عندي حالا، وامقتهم الذي يسمع الحديث ينسب إلينا، ويروى عنا فلم يقبله اشمئز منه وجده. وكفو من دان به وهو لا يدري لعل الحديث من عندنا خرج، وإلينا اسند «

إذ قد يقال لولا حجية الخبر لما استحق الطراح هذا الذم.

والجواب: انه استحقه على الاعتماد على الذوق، والرأى في طرح الرواية بدون تتبع، واعمال للموازن وعلى التسرع بالنفي والانكار مع ان مجرد عدم الحجية لا يسوغ الانكار والتكفير.

روایات دسته ششم

روایاتی هستند که برای اثبات حجیت خبر واحد، به آنها تمسک شده است و متضمن ارجاع افراد به برخی از اصحاب ائمه می‌باشند. در این روایات ائمه به برخی از افراد امر کرده‌اند برای یاد گرفتن احکام و اعتقادات خود به برخی از بزرگان اصحاب رجوع کنند؛ مانند روایتی که در آن امام صادق - علیه السلام - برخی از مردم را به «زراره بن اعین» ارجاع می‌دهند. ایشان از برجسته ترین اصحاب امام صادق و امام باقر - علیهما السلام - است. یا روایتی که در آن امام هادی - علیه السلام - به برخی از افراد امر کرده اند به «عبدالعظیم حسنی» مراجعه کرده و از ایشان بپرسند.

نکته

در این روایات ضابطه کلی ارائه نشده است که به چه کسانی غیر از این بزرگواران می‌توان مراجعه کرد. آیا به صرف ثقة بودن این افراد به مراجعه به آن‌ها امر شده است یا دلیل دیگری دارد؟ استدلال آن را به صورت یک قیاس بیان می‌کنیم.

قیاس

صغری: اگر خبر واحد حجت نهد، اهل بیت مردم را برای شنیدن روایت به اصحاب ارجاع نمی‌دادند.
کبری: ائمه چنین کاری انجام داده اند.
نتیجه: خبر واحد حجت است.

اشکال

این دستورات اوامری شخصیه اند و تعلیلی در آنها بیان نشده است که جهت عمومیت آن مشخص شود. بنابراین دقیقاً معلوم نیست که چرا باید به این بزرگان از اصحاب مراجعه کرد. در نتیجه به صرف احتمال خلاف مقصود استدلال کننده، استدلال به این دسته از روایات مخدوش می‌شود. این احتمال مطرح است که شاید این ارجاعات به برخی از اصحاب از این جهت باشد که -امام علیه السلام- این اطمینان را به مخاطب می‌دهند، که فلان شخص، هرچه بگوید عین صدق است و او یقیناً به ما نسبت دروغ نمی‌دهد.
اگر این احتمال درست باشد، دیگر این شأن قابل تعمیم به همه ثقات نیست و تنها درباره بزرگان از اصحاب چنین اطمینانی وجود دارد؛ زیرا برخی از ثقات ممکن است دچار خطا شده و تحت تأثیر هوای نفس دروغ بگویند.

نکته

وثاقت با احتمال دروغ گویی منافات ندارد ؛ زیرا شخص موثق ممکن است تحت وسوسه های شیطانی قرار گرفته و دروغ بگوید . شخص موثق ملکه وثاقت دارد ؛ اما معصوم نیست و به همین خاطر این قضیه ضرب المثل شده است. «ان الجواد قد یفتر و ان الصدوق قد یکذب ؛ اسب تیز رو گاهی سست می شود و شخص راست گو ممکن است گاهی دروغ بگوید.»

Sco1

13:33

روایات دسته هفتم

این دسته از روایات ، افرادی را که روایتی را تنها به خاطر مخالفت با ذوق و طبع خود رد می کنند، مورد نکوهش شدید قرار داده است. امام باقر -علیه السلام- می فرماید:

«والله إنَّ أحب أصحابی أوعهم وأفقههم وأكثمهم لحديثنا، وإنَّ أسوأهم **عندی حالا** وأمقتهم الذی إذا سمع الحديث ينسب إلینا ویروی عنّا، فلم یقبله، اشمأزّ منه وجحدّه، وكفّر من دان به، وهو لا یدری لعلّ الحديث من عندنا خرج وإلینا أُنسند؛ فیکون بذلک خارجاً من ولایتنا؛ به خدا قسم بهترین اصحاب نزد من با تقواترین و فقیه ترین و رازدارترین افراد نسبت به احادیث ماست. و بدترین و مبغوض ترین اصحاب نزد ما کسی است که چون حدیثی که به ما منسوب است و از ما روایت شده است را می شنود آن را قبول نکرده و از آن مشمئز شده و انکارش می کند؛ و کسی را که به آن معتقد باشد تکفیر می کند، در حالی که نمی داند شاید این حدیث از ما صادر شده و اسنادش به ما درست باشد. پس او با این کارش از ولایت ما خارج شده است.»

یقیناً روایتی که در این بیان امام -علیه السلام- مطرح است، ظنی بوده و قطعی نیست. در نتیجه افراد نباید چنین روایتی را انکار کنند. حال اگر خبر واحد غیر اطمینانی، حجت نباشد، چرا باید چنین شخصی این قدر مذموم باشد؛ زیرا او حداکثر روایتی که حجت نبوده است را رد کرده است و حدیثی که حجت نیست باید کنار گذاشته شود. پس مشخص می شود که چنین اخباری حجت بوده و باید مورد توجه باشند.

استدلال این دسته را هم به صورت یک قیاس بیان می کنیم.

قیاس

صغری: اگر خبر واحد حجت نبود، ائمه کسانی را که اخبار غیر مطمئن را کنار می گذارند، نکوهش نمی کردند. کبری: تالی باطل است؛ چون ائمه این افراد را سخت نکوهش کرده اند. نتیجه: خبر واحد حجت است.

Sco2

20:55

¹ کافی، ج 5، ص 76.

اشکال

شهید صدر این استدلال را تمام ن دانسته و صغرای آن را رد می کند؛ زیرا این افراد با تکیه بر ذوق و طبع شخصی روایت را رد کرده اند و قائلین به آن را تکفیر کرده اند، در حالی که وظیفه افراد در برخورد با روایت این است که اگر روایت حجت بود آن را بپذیرند و اگر حجت نبود ، درمورد صدق آن تحقیق و تفحص کنند و بر اساس موازینی که خود اهل بیت فرموده اند با آن برخورد کنند و سرانجام اگر نتوانستند حجیت آن را کشف کنند، نباید آن را انکار کرده و قائلین به آن را تکفیر کنند، بلکه باید آن را کنار گذاشته و علم آن را به اهلش واگذار نمایند. اشخاص مذموم در روایت، دو اشتباه مرتکب شده اند:

الف) بر اساس خلق و ذوق شخصی خود (و نه موازین شرعی) روایت را طرح کرده اند؛

ب) بعد از رد سلیقه ای روایت، با تأکید آن را انکار کرده اند و حتی قائلین به این روایت را تکفیر نموده اند.

پس عمل این اشخاص - هرچند خبر واحد ظنی هم حجت نباشد- اشتباه بوده و بی‌نگر نافرمانی در برابر امام - علیه السلام- است. و به همین خاطر امام چنین افرادی را از ولایت اهل بیت خارج دانسته است.

Sco3

26:00

چکیده

1. دسته ششم از روایات اثبات حجیت خبر واحد، روایاتی هستند که در آن ائمه برخی از افراد را به برخی از بزرگان اصحاب ارجاع داده اند.
2. اگر خبر واحد حجت نباشد، این ارجاع دادن لغو خواهد بود.
3. دلالت دسته ششم از اخبار هم تمام نیست؛ زیرا در این روایات، علت ارجاع بیان نشده است. بنابراین به هر شخص موثقی قابل تعمیم نیست.
4. وثاقت با احتمال دروغ گویی منافات ندارد؛ زیرا شخص موثق کسی است که ملکه راستگویی دارد؛ اما معصوم نیست. به همین خاطر ممکن است دروغ بگوید.
5. در دستف هفتم از اخبار دال بر حجیت خبر واحد، کسانی که اخبار منسوب به ائمه را تنها به دلیل ناهماهنگی با سلیقه و ذوق خود رد می‌کنند به شدت نکوهش شده‌اند.
6. اگر خبر واحد حجت نباشد، چنین افرادی مستحق نکوهش نیستند؛ زیرا آن‌ها تنها خبری را طرح کرده‌اند که حجت نیست و باید طرح شود.
7. شهید صدر به این استدلال اشکال کرده و آن را رد می‌کند و به دو دلیل این افراد را حتی اگر خبر واحد حجت نباشد شایسته نکوهش می‌داند. الف) با سلیقه و طبع خود اخبار را طرح کرده‌اند نه بر اساس موازین شرعی و دستورات ائمه؛ ب) به طرح خبر بسنده نکرده‌اند، بلکه آن را انکار و حتی قائل به آن را تکفیر نموده‌اند.
8. اگر روایتی حجت نبود باید در مورد آن تفحص کرد و در صورت عدم اثبات حجیت آن، باید آن را کنار گذاشت و نباید آن را رد و انکار نمود.